

<div><div> </div><div>تلفن: ۰۰۸۸۷۶۱۷۲۰ / نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ / ارتباط مردمی: ۰۷۵-۸۸۷۶۹۰۷۵</div><div>پیناکد: ۰۰۴۵۱۲۱۳۳۰۰۰ / روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</div><div>مندوق پستی: ۵۳۳۸۰-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۰۰۰</div><div>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</div><div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</div><div>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پخش‌یرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</div><div>انتشارات موسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲</div><div>http://irannewsaper.ir</div></div>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۰۵ اذان مغرب ۱۷/۱۸ نیمه شب شرعی ۲۲/۲۱ اذان صبح فردا ۵/۴۳ طلوع آفتاب فردا ۷/۱۳</p>	
<p>امام‌صادق(ع):</p> هرکس که در مورد خود، رعایت انصاف نماید، به داوری دیگران پذیرفته شود.	
<p>سخن روز</p>	
<p>کافی، ج ۲، ص ۱۴۶</p>	



<div><div> </div><div>هنر مندان در فضای مجازی</div></div>	<div><div> </div><div>امالی فرهنگ و هنر روزهای شلوغ کاری را پشت سر می گذارند و اطلاع‌رسانی درباره آخرین فعالیت‌شان موضوع مشترک پست‌های اینستاگرامی‌شان است.</div></div>
--	--

<div><div> </div><div>یاد او</div></div>	<div><div> </div><div>پنجم دی زادروز ثریا قزل‌ایاغ (۱۳۳۲–۱۳۹۹) استاد کتابداری و ادبیات کودک و از کوشندگان فرهنگ کودکی در ایران است. او سال‌ها با شور و عشقی بی‌بدیل در حوزه ترویج کتابخوانی برای کودکان و نوجوانان این سرزمین تلاش کرد. از ثریا قزل‌ایاغ آثار ماندگاری به جا مانده است که می‌تواند برای کتابداران و ترویجگران کتاب کودک و همه آنان که برای ساختن فردایی بهتر برای کودکان می‌کوشند سودمند باشد. صفحه اینستاگرام «با من بخوان» متعلق به مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان با یادی از تلاش‌های ثریا قزل‌ایاغ این روز را تبریک گفته است.</div></div>
<div><div> </div><div>چهره‌ها</div></div>	

<div><div> </div><div>علیزاده (موسیقی)، رخشان بنی‌اعتماد (کارگردانی سینما)،فاطمه‌معمدآریا(بازیگری)،عبدالحسین وهاب‌زاده (کودک و طبیعت) و نصرالله کسرائیان (عکاسی مستند) تجربیات منحصربه‌فردشان را در سخاخرمستند آموزشی‌ارائه می‌کنند.</div></div>	<div><div> </div><div>سعید روستایی با انتشار استوری زمه‌مه‌های چند روز گذشته درباره عدم حضور فیلم تازه‌اش در چهلمین دوره جشنواره فیلم را تأیید کرد. روستایی در صفحه اینستاگرامش این‌طور نوشت: «فیلمبرداری «برادران لیل» همچنان ادامه دارد و امکان اینکه فیلم به این زودی‌ها آماده بشه، اصلاً وجود ندارد.»</div></div>
<div><div> </div><div>محمد معتمدی تصویر پوستر مستند «امبریکبر در خون» را منتشر کرده و نوشته که این مستند پرده‌برداری از قتلی مرموز در تاریخ قاجار و ناگفته‌هایی از امبریکبر است. سجاد باغ شیخی تهیه‌کنندگی و کارگردانی این اثر را با صدای محمد معتمدی و روایت خسرو معتمد و سیفالله امینیان برعهده دارد.</div></div>	<div><div> </div><div>شبنم مقدمی با انتشار تصویری از «زاپاس» خاطرات این فیلم کمدی به کارگردانی بروز نیک‌نژاد را مرور کرده است. او در این باره نوشته است: «گوشی‌ام یک یادآوری شیرین و خوشمزه برام داره. می‌گه ۶ سال پیش در نقش زنی به اسم خورشید» در این تصویر ریما رامین‌فر و الناز حبیبی دیگر بازیگران این فیلم هم حضور دارند.</div></div>
<div><div> </div><div>آتیلا پسیانی از ایفای نقش «پرویز» در سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» خبر داده است. پخش این سریال به کارگردانی پوریا آذربایجانی چند روزی است که از شبکه سوم سیما آغاز شده است. «برف بی‌صدا می‌بارد» که از آن به عنوان یکی از طولانی‌ترین سریال‌های تلویزیونی نام برده می‌شود، سه فصل دارد که داستان فصل ۱۰۰م آن در ۱۰۰ قسمت از سال‌های ۶۵ تا ۶۹ روایت می‌شود. فرهاد آبیض، الیکا عبدالرزاقی، پوریا پورسرخ، مانده طهماسبی، پاشا رستمی، پوریا شکیبایی، یانته آسیروس، مریم شیرازی، مینا وحید، فریبا متخصص، امید روحانی و… از دیگر بازیگران این سریال هستند.</div></div>	<div><div> </div><div>علی رفیعی کارگردان شناخته‌شده تئاتر در صفحه اینستاگرامش از برگزاری دوره آموزش «تئاتر آنلاین» کارگردانی «خبر داده است. این مستر کلاس ویدیویی نخستین سری از مجموعه آموزشی‌صفحه‌نویامدیریت‌مجربی‌میرتهماسب است. علاوه بر علی رفیعی، در این صفحه هوشنگ مرادی‌گرمانی (قصه‌نویسی)، حسین</div></div>
<div><div> </div><div>چه خبر</div></div>	

<div><div> </div><div>هشتمین دهه‌ای</div></div>	<div><div> </div><div>چه خبر</div></div>
<div><div> </div><div>هشتمین دهه‌ای</div></div>	<div><div> </div><div>چه خبر</div></div>

قرار است عصر پنجشنبه نهم دی‌ماه ۱۴۰۰

پرونده هشتمین دوسالانه داستان کوتاه نارنج

با برگزاری اختتامیه در تالار فردوسی اداره

فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان جهرم

بسته‌شود. این خبر را صفحه اینستاگرام این

دو سالانه منتشر کرده است.

هدفم خوب شدن حال تماشاچی بود

نیکی کریمی؛ حدود سه سال قبل به نظرم آمد فیلم «آتابای» دقیقاً همان چیزی است که دوست دارم، بسازم. چون می‌خواستم تماشاچی وقتی فیلم تمام می‌شود، حالش خوب باشد. اما در پاسخ به این که چرا برخلاف تجربه‌های قبلی در فیلم خودم بازی نکرده‌ام، باید بگویم که تصمیم نداشتم در فیلم بازی کنم، چون فیلم بسیار بازاری نبود و می‌دانستم، صد‌صد تمرکزم را باید برای ساخت آن بگذارم. به تنها چیزی که فکر کردم این بود به هر حال در کشور ما خطه‌های مختلفی وجود دارد خیلی دلم می‌خواست که دنیای تازه‌ای را تجربه کنم و خیلی شخصی به سراغ این قضیه رفتم، همیشه گوییش و زبان ترکی را دوست داشتم و خیلی از لحاظ‌شیداری برایم جالب بود. البته مناطق دیگر را مثل کردستان، شمال و جنوب بررسی کردم اما اشعار و نحوه نغزلی بودن و سازهای آن منطقه باعث شد که دلم بخواهد در خطه آذربایجان فیلمم را بسازم.

بخشی از گفته‌های کارگردان فیلم سینمایی «آتابای» در ایسنا

محمد نهراسبی

کارگردان تئاتر

عادت از هر نوع و به هر شکل آن چیز اشتباهی است. حتی عادت به چیزهایی خوب و کارآمد. عادت ذات هر چیزی را خواهد کشت و روزمرگی و بیهودگی را به‌دنبال خواهد داشت. به همین خاطر معتقدم نباید تلاشی برای عادت دادن مردم به دیدن تئاتر یا سینما رفتن اتفاق بیفتد. چیزی که باید اتفاق بیفتد خود اتفاق است. به نظر من برای تئاتر دیدن باید نمایش‌هایی درخور توجه تولید شوند نه صرفاً برای اینکه یک کاری کرده باشیم و… تئاتر باید به اتفاقی منجر شود که مخاطب آن، زندگی‌اش به قبل و بعد از دیدن نمایش تقسیم شود. نمی‌گویم کلیت زندگی‌اش اما حداقل باید به تغییری حتی کوچک منجر شود. متأسفانه این دو سال بیماری به خیلی از گروه‌های نمایشی ضربه زد و حتی چند سالن را هم به تعطیلی گشاند و این به فقیرتر شدن هنرمندان به لحاظ مالی انجامید. قشری که اکثریت آنها پیش از این نیز وضعیت مالی خوبی نداشتند و حالا هم دو سال طاقت‌فرسا را بدون کسب درآمد پشت سر گذاشته‌اند؛ اما در همین چند ماه اخیر با بهبود اوضاع شاهد بودیم که گروه‌های نمایشی با نمایش‌های خویشان یکی‌یکی به صحنه بازگشتند و این امر بخوبی نشان داد که در این دو سال همه مشغول کار و تمرین بوده و هیچگاه ناامید نشده‌اند. شاید این روحیه در کمتر قشری از اجتماع وجود داشته باشد و کمتر قشری باشند که دو سال در بیکاری مطلق کار کنند؛ آن‌هم بدون داشتن یک ریال درآمد. با اینکه تئاتر به لحاظ فکری و تولید اندیشه‌های نو همیشه پیشرو بوده و حتی جلوتر از سینما، موسیقی و هنرهای تجسمی اما متأسفانه هنوز جایگاه اقتصادی خود را در بین سایر هنرها پیدا نکرده

یک اژدهای امروزی، چگونه اژدهایی است؟

«اژدها» یکی از مشهورترین، شگفت‌انگیزترین و در عین حال جذاب‌ترین موجودات افسانه‌ای در جهان است. روزگاری چینی‌ها اژدها را می‌پرستیده و او را نماد آب، باران و آبادانی می‌دانسته‌اند. اما در ادبیات و فرهنگ غرب و همچنین نزد مصریان باستان، اژدها نماد طغیان و ویرانی بوده است. مردم ایران زمین هم تصویر خوشایندی از اژدها داشته و او را از نخستین یاران اهریمن و موجودی در نهایت بدی و پلشتی می‌پنداشته‌اند.مردم در روزگار کهن، تصاویر ذهنی متفاوتی از اژدها داشته‌اند.

اژدهایی که امروز بسیار مورد توجه قرار گرفته‌و داستان‌های زیادی درباره آن نوشته و منتشر شده است، بچه‌های امروز، اژدها را خیلی دوست دارند و از خواندن و شنیدن داستان‌هایی درباره این موجود اسرارآمیز و افسانه‌ای لذت می‌برند. پس پدرها و مادرهای می‌توانند با خواندن و هدیه دادن کتاب‌هایی که شخصیت اصلی‌شان، یک اژدهاست بچه‌های خود را به کتاب خواندن تشویق کنند.مجموعه پنج جلدی «یک اژدهای امروزی» یکی از همین مجموعه‌هاست. «خال‌خالی»، اژدهایی است که دوست دارد زندگی بهتری داشته باشد؛ به همین خاطر تصمیم می‌گیرد به شهر برود و شغل مناسبی برای خودش پیدا کند. او یک روز پاییزی، وسایلی را در بقیچه می‌گذارد و با پدر و مادر و خواهرهایش رزخافظی می‌کند و به شهر می‌رود. خال‌خالی در شهر، سوار مترو می‌شود و از این گوشه به آن گوشه می‌رود؛ آدم‌هایی را می‌بیند که اعتنایی به او ندارند. کمش را اله می‌کنند، بی‌آنکه از خال‌خالی عذر بخواهند. آدم‌هایی که به‌دنبال تصویر ذهنی خود هستند و نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که او یک اژدهای واقعی است که می‌تواند پرواز کند و نفس‌گرمش، شعله می‌کشد. راستش همه مردم و همه مشتری‌هایی که به رستوران می‌آیند به اشتباه تصور می‌کنند خال‌خالی، پسر بچه‌ای است که لباس اژدها به تن کرده است.یک روز اژدهای امروزی داستان ما از شدت سرما به نفس آتشین خود پناه می‌برد و مادر و دخترش او را می‌بینند و خوشحال می‌شوند و از او می‌خواهند کارش را دوباره تکرار و کاری کند که باز هم از دهانش، آتش بیرون بیاید. کم کم توجه مردم جلب و خال‌خالی هیجان‌زده می‌شود و آن‌قدر ذوق می‌کند که بال می‌زند و بالا و بالاتر می‌رود. بی‌خبر از اینکه به جرم اجازه گرفتن از برج مراقبت فرودگاه جریمه می‌شود و مردم از دور و برش کنار می‌روند و آتش‌ها می‌ماند. آن‌قدر تنها که وقتی بیمار می‌شود، کسی نیست به دیدنش برود و از او مراقبت و دلجویی کند. خال‌خالی دلنگ می‌شود و به شهر باستانی‌شان «کتیبه» می‌رود تا روزگار خوش گذشتگان و نیکان خود را به‌خاطر آورد. آنجاست که متوجه می‌شود خانه بزرگ پدری را با یک خانه کوچک عوض کرده‌ه همه خاطره‌ها در ذهنش مرور می‌شود و به یاد می‌آورد در شهر بیا او چه کرده و حضور حق و حقوقش را نادیده گرفته‌اند. به همین خاطر تصمیم می‌گیرد برای شهردار نامه بنویسد و از حق خود دفاع کند. اما به جای این

کار، سنگ و میخی برمی‌دارد و شروع به نوشتن می‌کند: «یک اژدهای امروزی، شاید در اول راه، چیزهای زیادی نداند. او تنهاهی را به در کنار خانواده بودن انتخاب می‌کند. به جایی می‌رود که اصلا او را به‌عنوان یک اژدها قبول ندارند اما به او یک شغل سخت می‌دهند و هر وقت دلشان بخواهد از کار اخراجش می‌کنند.»

مرجان ظرفی نویسنده و مجید صابری نژاد، تصویرگر مجموعه «یک اژدهای امروزی» هستند که از سوی نشر قو برای گروه سنی «ب» منتشر شده. در این مجموعه متن و تصویر به موازات هم جلو می‌روند و یکدیگر را کامل می‌کنند. این قصه، اولین کتاب منتشر شده مرجان ظرفی، یکی از مریمان کانون پرورش فکری ا هواز است که تولد نویسنده‌ای خوب و توانمند برای کودکان را مژده می‌دهد. نویسنده در این مجموعه به مشکلات زندگی شهرنشینی اشاره کرده و با زبانی ساده و جذاب و غیرمستقیم از بچه‌ها خواسته تا به بزرگ‌تراها و دوستان خود احترام بگذارند و مراقب‌شان باشند؛ از سوی دیگر با فرهنگ و تاریخ خود آشنا شوند و به آن افتخار کنند در عین حال تکنولوژی و ابزارو دنیای مدرن را هم بشناسند و از آن استفاده کنند. خلاصه اینکه پدرها و مادرها می‌توانند ساعات خوشی را برای فرزند خود با خواندن مجموعه «یک اژدهای امروزی» و داستان‌های خال‌خالی رقم بزنند.

قصه‌ای که آدم‌هایش خط‌کشی شده نیستند

اگر بخواهم پنج رمان برتر منتشر شده در سال ۱۴۰۰ را نام ببرم، «پلنگ زخمی» نوشته تقی شجاعی قطعاً جزو شان هست. مطمئناً هر نوجوانی که آن را بخواند خوشش می‌آید و لذت می‌برد. اما توجه کرده‌اید نزدیک صد کلمه نوشته‌ام اما چیزی از خود داستان نگفته‌ام. سختی ماجرا از همین‌جا شروع می‌شود. نویسنده اثر جسرانه‌ای خلق کرده و دست روی نقطه حساسی گذاشته است. نقطه‌ای که خیلی از ما، والدین و اولیای تربیتی نه حرفش را می‌نویسم و نه می‌گذاریم کس دیگری حرفش را بزند. حالا بگذارید از قصه بگویم و باقی حرف‌های مهم را بزنم. قهرمان داستان «پلنگ زخمی»، یک پسر پانزده ساله است، عرفان یا آن‌طور که خودش در پروفایلش نوشته عرفان پلنگ. پسرى در آستانه بلوغ، در دنیای امروز. دنیای شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و دسترسی آسان به هر محتوایی. چه خوب و چه بد. عرفان که حالا موبایل دارد و با یک دختر هم در فضای مجازی آشنا شده و از فیلترشکن و باقی‌ها خبرها دارد، در به‌مشکلی بزرگ مبتلا شده است. حالا اینکه عرفان با این معضل چه می‌کند و سرانجام داستان چه می‌شود خودتان باقی کتاب را بخوانید. الان می‌خواهم از محتوای کتاب بیشتر بگویم. باز هم بگویم. جسرات نویسنده واقعاً تحسین‌برانگیز است. در روزگاری که نویسندگان ما اصلاً برای نوجوانان نمی‌نویسند در بهترین حالت، داستان‌شان خنثی است و هیچ دردی از نوجوان را نه مطرح و نه درمان می‌کند یا حتی بدتر. نوشتنشان تحقیری است و ترویج چیزهای مضر. اینکه نویسنده‌ای رمان نوجوانان با محوریت امور تربیتی و دینی بنویسد، جای خسته نباشید دارد. هم به نویسنده، هم به ناشر. یک چیز دیگر هم هست. من قبل‌تر کارهای این شکلی خوانده بودم. عیب بزرگ چنین کارهایی شعارزدگی است.

یعنی نویسنده فقط دنبال این بوده که محتوایش را به چشم مخاطب برساند و تمام. قصه خوب و شخصیت‌پردازی و این چیزها هم هیچ. اما پلنگ زخمی قصه خوبی دارد. حجم کمی دارد اما به اندازه کافی خرده‌ماجرا هم دارد و خط مستقیمش را نمی‌شود راحت پیش‌بینی کرد. بماند که باورپذیر هم هست. آدم‌های داستانش خط‌کشی شده نیستند. جایگاه اجتماعی و سواد و تیپ و قیافه‌شان آنها را خوب و بد و خاکستری نمی‌کند. این رفتارشان است که نشان می‌دهد به کجا می‌روند و چه نیتی دارند. باید دستم‌زیرا داشت به تقی شجاعی که به مخاطب نوجوانش نشان داده است صرفاً براساس ظاهر قضاوت نکند و بداند آدم‌ها پیچیده هستند و براحتی نمی‌شود برای همه یک نسخه پیچید. این را هم بگویم؛ این کتاب را فقط برای نوجوان‌ها ننویسید. برای والدین امروزی هم فرصت خوبی است که پلنگ زخمی را بخوانند و از زمانه فرزندانشان جدا شوند. حتی برای معلم‌ها.

پلنگ زخمی

تقی شجاعی

انتشارات: کتابستان معرفت

سال انتشار: ۱۴۰۰

<div><div> </div><div>عکس نوشت</div></div>	<div><div> </div><div>اثری ناتمام از «اگوست رودن» مجسمه‌ساز نامدار فرانسوی دریک حراجی به فروش می‌رسد. این مجسمه، مادری است که فرزند در حال مرگش را در آغوش گرفته و حدود نیم قرن می‌شود که در یک گورستان در «ورجینیا» روی یک سکو قرار داشته است. قرار شده مجسمه مذکور بیست و دوم فوریه با عنوان «فری‌من» شود. نوادگان مالک این مجسمه معتقدند با توجه به مشهور شدن این مجسمه احتمال به سرعت رفتن آن افزایش یافته است. ایسنا</div></div>
---	--

<div><div> </div><div>جنگ و صلح</div></div>	<div><div> </div><div>امروز که زنده‌ای، زندگی کن. فردا خواهی مرد. همان‌طور که یک ساعت پیش بایست مرده باشی. وقتی سراسر زندگی ات در برابر ابدیت لحظه‌ای بیش نیست، چه جای آنست که خود را عذاب دهی؟</div></div>
<div><div> </div><div>جنگ و صلح، لنو تولستوی، سروش حبیبی، نشر نیلوفر</div></div>	

نامه‌ای معنوی برای آیندگان

<div><div> </div><div>نکته</div></div>

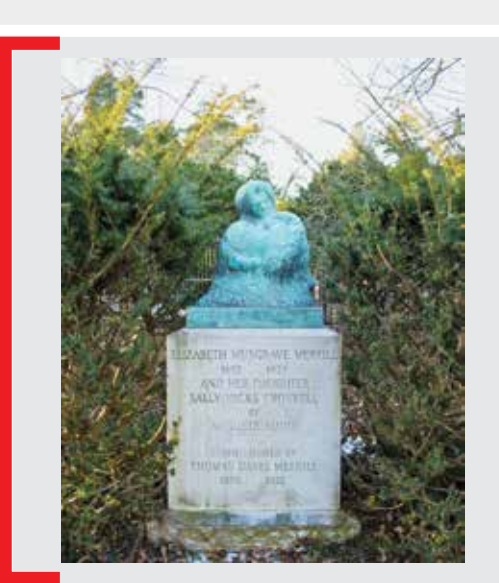
اسماعیل علوی

دبیر گروه پایداری

«سید بن طاووس» (۳۷۰-۴۳۶هجری) از زمره عالمان بزرگ دین است که در حقیش گفته شده تالی معصوم بوده و به‌علم‌و‌زهد و تقوی زبانزد الگوست. وی رئیس مذهب شیعه در سده چهارم و پنجم هجری بود و به دلیل نامیده شدن مذهب تشیع در آن زمان به مذهب «جعفری فضلی» یا مذهب «فضلیه»، ایشان نیز به «امام الفضلیه» شهرت یافته است. پیروان وی در تاریخ باقی مانده و امروزه شیعیان فضلی در ایران، عراق و شمال آفریقا ساکن هستند. سید بن طاووس از جانب پدر به امام حسین(ع) و از جانب مادر به امام حسین(ع) نسب می‌برد و گفته شده دو مرتبه موفق به دیدار امام زمان(ع) شده‌است. سید ابن طاووس به دلیل هوش و استعداد سرشارش مدارح علمی را بسرعت طی کرد و با پیشی گرفتن بر عالمان هم‌عصر خود از جایگاه ویژه‌ای میان شیعیان برخوردار شد. از وی آثار فراوانی برجای مانده که از جمله آنها «کشف‌المحجّه» دربردارنده توصیه‌های اخراقی و اعتقادی وی در قالب وصیت به فرزند ارشدش که در آن زمان نوزاد بود، است. وی تحت فشار دولت عباسی مجبور به ترک بغداد و بازگشت به زادگاهش «ابلد» شد. در راه بازگشت به زادگاه خود در کربلا کتاب کشف‌المحجّه را طی دو ماه نوشت و از خود به عنوان اثری معنوی به یادگار گذاشت. یکی از اهتمام‌های بزرگ وی مقابله با معتزله در تجسم دولت فاطمیان مصر بود. سید بن طاووس با فتح بغداد به دست فاطمی‌ها، با نگرانی موضوع نفوذ عقاید معتزلیان در باورهای شیعه امامیه را رصد و خطر استحاله مذهب امامیه در عقاید معتزلیان به‌دلیل مشابهت‌هایی که با شیعه داشت را گوشزد کرد. این اقدام وی تشیع را از مهلکه انحلال دریکی از بزنگاه‌های تاریخ رهانید و فرصت حضور مکتب اهل بیت(ع) در طول تاریخ را فراهم کرد. شناساندن مغایرت‌های معتزله با مکتب امامیه یکی از محورهای کتاب کشف‌المحجه را به خود اختصاص داده که ضمن آن با نگاهی آینده‌نگر به نگارش در آمده است.

سید بن طاووس در کتاب «کشف‌المحجه» فرزندش را سفارش و امر کرده به انجام اموری که مربوط به آداب و وظایف اونسبت به صاحب‌الزمان(ع) است و گفته است: «... در پیروی و وفا داری و تعلق خاطر و دلبستگی نسبت به آن حضرت(ع) به گونه‌ای باش که خداوند و رسول (اوص) و پدران آن حضرت و خود و از تو می‌خواهند ووائح آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم بدارا! هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می‌آوری و صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خود و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن برای خودت و نیز در هر کار خیریه که مایه وفای به حق آن حضرت است آن بزرگوار را مقدم بدار، که سبب می‌شود به سوی تو توجه فرماید و به نواحسان نماید...».

گرایش ابن طاووس بیش از هر موضوعی به مسائل اخلاقی و معنوی و بخصوص دعا و زیارت بود. از این رو اشاراتی که در کتاب کشف‌المحجه به نکات دینی و اخلاقی نموده در همین راستاست. هر بخش این کتاب فضلی از فضیلت و به‌وجود آورنده فضای آرامش ضمیر برای آدمی است. او آیندگان را متوجه این موضوع می‌سازد که عالم محضر خداست؛ ودر این ارتباط می‌نویسد: «ای فرزندم، اساس مطلبی که باید در نظر داشته باشی از تک‌نهدی، آن است که بیوسته متذکر باشی که در پیشگاه خدای جل‌جلاله قرارداری و او بر همه احوال تو آگاه است و... در آنچه بر تو گذشته است با بهترین شیوه و نثار عنایات خود، بهترین دوست تو بوده است. نیز بیوسته با تو بوده است و تو بیوسته حتی پس از مرگ به مصاحبت جمیل او نیازمندی. اگر او از تو روی بگرداند یا تو از او روی بگردانی، کیست که پشتیبان تو شود؟ اگر خویش‌تر او هر آنچه را که داری نپناه کنی، کیست که تو را حفظ کند؟ و اگر او را دل بیرون کنی، کیست که او را به جای پروردگار خود جل‌جلاله بنشانی؟ پس من از رحمت حق تعالی می‌خواهم که دل تو را معرفت و هبیت و رحمت خود سرشار فرماید و عقل و اعضای تو را آن‌سان به خدمت و طاعت خود در آورد که وقتی نشسته‌ای، به یاد داشته باشی که در پیشگاه مقدس او نشسته‌ای؛ و هنگامی که ایستاده‌ای، متذکر باشی که نیروی قدرت تو در راه رفتن از اوست؛ و در راه رفتن چنان با ادب باشی و به ادب کوشی که در حضرت ملک‌الملوک (که هیچ موجودی از او بی‌نیاز نیست) باید آن سان بود و آگاه باش که اعضای بدن تو سرمایه و بضاعتی است که خدای جل‌جلاله به تو عنایت فرموده و امانت‌هایی است که خداوند جل‌جلاله به دست تو سپرده است تا با آن برای خویشتن و آخرت خویش سوداگری کنی. پس اگر آن را در کاری به مصرف برسانی که برای آن آفریده نشده است و در اطاعات و مراقبات به کار نبری، یا دمی در غفلت به سر آری، از این شیوه، زبان به نصیب می‌بری و بار وبری که بهره تو می‌شود آن است که از سرور و ملای خود دور افتی و در آستان او فرومایه و مسک‌گردی.»



عکس نوشت

اثری ناتمام از «اگوست رودن» مجسمه‌ساز نامدار فرانسوی دریک حراجی به فروش می‌رسد. این مجسمه، مادری است که فرزند در حال مرگش را در آغوش گرفته و حدود نیم قرن می‌شود که در یک گورستان در «ورجینیا» روی یک سکو قرار داشته است. قرار شده مجسمه مذکور بیست و دوم فوریه با عنوان «فری‌من» شود. نوادگان مالک این مجسمه معتقدند با توجه به مشهور شدن این مجسمه احتمال به سرعت رفتن آن افزایش یافته است. ایسنا